

شماره ۱۳۷۹/۲/۲۶

شماره ۱۳۷۹/۴/۳۴۷/هـ

ریاست محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
به پیوست تصویر آئین دادرسی دیوان عدالت اداری که وسیله هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ۵۱ ماده و ۷ تبصره تهیه و تنظیم گردیده و به تأیید و تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده است جهت درج در آن روزنامه ایفاد می گردد.
مدیر دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - عشق آبادی

آئین دادرسی دیوان عدالت اداری

ماده ۱- رسیدگی در دیوان عدالت اداری محتاج به تقدیم دادخواست است که باید به زبان فارسی و با خط خوانا روی برگ رسمی دادخواست به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه نوشته شود و به امضاء یا اثر انگشت شاکی یا نماینده قانونی او برسد. امضاء یا اثر انگشت شاکی یا نماینده قانونی او به وسیله دفتر شعب دیوان یا دفتر یکی از دادگاهها یا دفتر اسناد رسمی یا شورای محلی یا یکی از ادارات دولتی یا نهادهای انقلابی و در مورد افراد مقیم خارج از کشور به وسیله مأمورین کنسولی جمهوری اسلامی ایران گواهی شود. به دادخواست باید طبق مقررات قانونی تمبر قانونی الصاق و ابطال شود.

ماده ۲- در دادخواست باید نکات زیر قید گردد:

الف: نام و نام خانوادگی و نام پدر و شغل و اقامتگاه شاکی با مشخصات کامل به نحوی که ابلاغ اوراق به سهولت ممکن باشد.

ب: نام وزارتخانه یا مؤسسه یا واحد طرف شکایت و یا نام و نام خانوادگی و شغل و اقامتگاه مأمور مربوطه.

پ: موضوع شکایت و خواسته.

ت: ذکر مدارک و دلایل مورد استناد.

ماده ۳- هرگاه اقامتگاه شاکی در دادخواست معلوم نباشد و یا مورد شناسائی قرار نگیرد و یا شاکی شناخته نشود، مدیر دفتر و یا جانشین او قرار رد دادخواست را صادر می کند.

ماده ۴- شاکی باید رونوشت یا تصویر خوانای مصدق مدارک خود را به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه پیوست دادخواست نماید. مطابقت رونوشت یا تصویر مدارک با اصل آنها باید به تصدیق یکی از مراجع مذکور در ذیل ماده یک برسد. چنانچه اسناد به زبان فارسی نباشد باید ترجمه آنها به گواهی مترجم رسمی یا مأمورین کنسولی جمهوری اسلامی ایران رسیده و به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه ضمیمه شود.

ماده ۵- هرگاه دادخواست توسط وکیل یا نماینده قانونی یا ولی یا وصی یا قیم یا مدیرعامل شرکت داده شده باشد باید رونوشت یا تصویر سند مثبت سمت دادخواست دهنده نیز ضمیمه گردد.

تبصره - دادخواست و ضامنه آن و همچنین اوراق مربوط به رفع نقص و تکمیل دادخواست باید به وسیله پست سفارشی به نشانی دبیرخانه دیوان ارسال و یا توسط شاکی در قبال اخذ رسید به دبیرخانه دیوان تسلیم گردد.

ماده ۶- طرفین می توانند برای طرح شکایت در دیوان و یا دفاع از شکایتی که علیه آنان به دیوان تسلیم شده شخصاً اقدام و یا یک وکیل از طرف خود تعیین و معرفی نمایند.

تبصره - واحدهای مذکور در بند الف ماده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری می توانند جهت پاسخگویی یا اداء توضیح در خصوص شکایاتی که علیه آنان در دیوان طرح می شود نماینده معرفی نمایند.

ماده ۷- شرایط وکالت در دیوان به شرح زیر است:

الف: وکیل بایستی از بین وکلای رسمی دادگستری و یا دارای وکالتنامه رسمی باشد.

ب: چنانچه وکیل از وکلای رسمی دادگستری باشد، امضاء یا اثر انگشت موکل در ذیل وکالتنامه باید به گواهی یکی از مراجع مندرج در ذیل ماده یک برسد.

پ: چنانچه وکالتنامه در خارج از کشور تنظیم شده باشد، امضاء یا اثر انگشت موکل باید به گواهی مأمورین کنسولی برسد.

ت: تصریح به وکالت در دیوان یا مراجع قضائی در وکالتنامه.

ماده ۸- در امور زیر اختیارات وکیل باید در وکالتنامه تصریح شود:

الف: وکالت در طرح شکایت در دیوان عدالت اداری یا پیگیری آن.

ب: وکالت در استرداد شکایت یا انصراف از شکایت.

پ: وکالت برای درخواست تجدیدنظر از رأی دیوان در مواردی که قابل تجدید نظر است.

ماده ۹- دادخواست وارده در دفتر ثبت دادخواست کل دیوان و نیز در دفتر ویژه ای (پر توار کل) براساس حروف اول نام خانوادگی شاکیان ثبت می گردد و سپس از طرف رئیس کل یا معاون دیوان که به او تفویض اختیار شده به یکی از شعب دیوان ارجاع می شود.

اصلاحاتی در عنوان و متن تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسیده است در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی به پیوست ارسال می گردد.
رئیس مجلس شورای اسلامی - علی اکبر ناطق نوری

شماره ۱۳۷۹/۲/۲۸

شماره ۶۵۹۹

وزارت کشور

قانون الحاق سه تبصره به بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هجدهم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۳۷۸۷-ق مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۴ واصل گردیده است به پیوست جهت اجرا ابلاغ می گردد.
رئیس جمهور - سید محمد خاتمی

قانون الحاق سه تبصره به بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی

جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون سه تبصره به ذیل بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ - الحاق می گردد:

تبصره ۱ - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است کلیه امور راهنمایی و رانندگی شهر تهران را برابر با سیاستها و برنامه های شهرداری شهر تهران و در چهارچوب قانون به اجراء درآورد. تأمین کلیه تجهیزات و تأسیسات و بودجه وامكانات مورد نیاز اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران (به استثنای حقوق و مزایای پرسنل و تجهیزات مخابراتی و سلاح و مهمات) برعهده شهرداری شهر تهران می باشد. کلیه امکانات و تجهیزات موجود اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران عیناً در این اداره باقی خواهد ماند.

تبصره ۲ - اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران عنداللزوم در زمینه برقراری امنیت برابر با ابلاغیه های نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) انجام وظیفه می نماید.

تبصره ۳ - چگونگی اجرای این قانون از جمله نحوه عزل و نصب رئیس اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران را رعایت اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی (به استثنای موارد مربوط به امور امنیتی و انتظامی که به تصویب فرماندهی کل قوا می رسد) مطابق با آئین نامه ای می باشد که حداکثر ظرف مدت شش ماه توسط وزارت کشور با هماهنگی و همکاری ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هجدهم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی اکبر ناطق نوری

شماره ۱۳۷۹/۲/۲۸

شماره ۱۹۳۵۴/۷۴۲۷

اصلاحیه آیین نامه اجرایی تبصره (۶۸) قانون بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور سازمان برنامه و بودجه - بنیاد مسکن انقلاب اسلامی - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۵ با توجه به نظریه رئیس محترم مجلس شورای اسلامی (موضوع نامه شماره ۱۸۲۱/هـ/ب مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۲۷) تصویب نمود:

آیین نامه اجرایی تبصره (۶۸) قانون بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور (موضوع تصویب نامه شماره ۵۲۵۹۴/۵۲۸۹/هـ مورخ ۱۳۷۶/۲/۷) به شرح ذیل اصلاح می شود:

۱- عبارت «طی برنامه پنجساله دوم توسعه» از ماده (۱) حذف می گردد.

۲- عبارت «و هزینه های ثبتی» از تبصره ذیل ماده (۳) حذف می گردد.

معاون اول رئیس جمهور - حسن حبیبی

شماره ۱۳۷۹/۲/۱۹

شماره ۱۷۹/۱۹۰۷

جناب آقای دری نجف آبادی

رئیس کل محترم دیوان عدالت اداری

عطف به نامه شماره ۴۱۵/۱۹۷۹۰ مورخ ۷۸/۱۲/۱۸، پیش نویس آئین دادرسی دیوان عدالت اداری که وسیله هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ۵۱ ماده تدوین و تنظیم گردیده است مورد ملاحظه و مطالعه قرار گرفت، به استناد ماده ۲۳ قانون دیوان عدالت اداری ضمن تأیید و تصویب آن مقرر می دارد در روزنامه رسمی کشور منتشر و سپس مورد عمل قرار گیرد.
رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

ماده ۲۱- در مواردی که دیوان تشخیص دهد که رسیدگی به شکایات در صلاحیت دیوان نیست با صدور قرار عدم صلاحیت و قطعیت آن پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌دارد.

ماده ۲۲- مواد رد دادرسی در دیوان همان است که در آئین دادرسی مدنی مقرر است و حسب مورد پرونده جهت تعیین تکلیف به نظر رئیس کل دیوان می‌رسد.

ماده ۲۳- شعبه دیوان می‌تواند در صورتی که مقتضی بداند هریک از طرفین شکایت را برای رسیدگی و اخذ توضیح دعوت نماید و همچنین شعبه دیوان در صورت لزوم می‌تواند پرونده‌ها و سوابق و اسنادی را که در واحدهای دولتی و مؤسسات وابسته و شهرداریها است مطالبه کرده و ملاحظه و مطالعه نماید. واحدی که پرونده یا سند نزد اوست مکلف است در مدت مقرر پرونده یا سوابق یا سند مورد مطالبه را ارسال نماید، مگر اینکه ارسال یا ابراز پرونده یا سند منافعی با مصالح سیاسی کشور یا انتظامات عمومی باشد که در این صورت باید پاسخ لازم یا توضیح کافی به شعبه دیوان بدهد و چنانچه شعبه دیوان با لحاظ توضیح مزبور ارسال و یا ابراز سند یا پرونده را لازم دانست اسناد یا پرونده مورد مطالبه را ارائه نماید والا کسی که مسئولیت عدم ارسال یا ابراز سند یا پرونده متوجه او است به حکم شعبه دیوان به انفسال موقت از خدمات دولتی و نهادهای انقلابی تا یکسال محکوم می‌شود. همین مجازات مقرر است برای موردی که شعبه دیوان احتیاج به اخذ توضیح از نماینده واحدهای مذکور در بند الف ماده ۱۱ قانون دیوان دارد و مسئول مربوط از تعیین نماینده خودداری کند یا نماینده تعیین شده از حضور در دیوان و اداء توضیحات مورد نیاز استنکاف نماید.

ماده ۲۴- در مواردی که عزل یا استعفای وکیل و یا فوت یا ممنوعیت اواز وکالت به دیوان اعلام شود، رسیدگی دیوان به تأخیر نخواهد افتاد و اگر توضیحی لازم باشد موکل می‌تواند شخصاً برای اداء توضیح حاضر شود و یا وکیل دیگری معرفی نماید.

ماده ۲۵- دیوان می‌تواند هرگونه تحقیقی را که برای رسیدگی به شکایت و صدور حکم ضروری است به عمل آورده و یا آن را از هریک از مراجع قضائی یا واحدهای ذیربط تقاضا نماید و مراجع مزبور مکلف به انجام آن در مهلت مقرر می‌باشند.

ماده ۲۶- موضوع شکایت و خواسته باید منجز و بدون ابهام باشد و در صورت وجود ابهام شاکی مکلف است ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ اخطار به دیوان با رعایت مسافت قانونی نسبت به رفع ابهام اقدام نماید والا دادخواست در قسمتی که مبهم است و یا منجز نیست از طرف دیوان رد می‌شود و سپس شاکی می‌تواند پس از رفع ابهام تجدید دادخواست نماید.

ماده ۲۷- شکایت متعدد را که منشاء و مبنای آنها مختلف است نمی‌توان به موجب یک دادخواست اقامه کرد مگر آنکه دیوان بتواند به تمام آنها ضمن یک دادرسی رسیدگی نماید و همچنین اشخاص متعددی نمی‌توانند شکایت خود را که موضوع و منشاء و مبنای مختلف دارد به موجب یک دادخواست اقامه نمایند. در صورت عدم رعایت این ماده دادخواست از طرف دیوان رد می‌شود.

ماده ۲۸- کلیه شکایات مطروحه در شعبه دیوان که موضوعاً واحد یا مرتبط باشد به دستور رئیس کل دیوان جهت رسیدگی به شعبه‌ای که از لحاظ تاریخ ارجاع مقدم است ارجاع می‌شود.

ماده ۲۹- در صورتی که شاکی یا مشتکی عنه فوت یا محجور شود دادرسی تا تعیین و معرفی قائم مقام قانونی او متوقف می‌شود، مگر پرونده معد برای صدور رأی باشد.

ماده ۳۰- شاکی می‌تواند دادخواست خود را در مرحله بدوی قبل از وصول پاسخ طرف شکایت یا انقضای مهلت آن مسترد دارد که در این صورت قرار ابطال دادخواست صادر می‌شود و شاکی می‌تواند یک مرتبه دیگر دادخواست خود را تجدید نماید.

ماده ۳۱- شاکی می‌تواند قبل از اعلام پایان رسیدگی دیوان در مرحله بدوی و تجدیدنظر از شکایت خود به کلی صرفنظر نماید که در این صورت قرار اسقاط شکایت صادر می‌شود و دیگر شکایت قابل تجدید نیست.

ماده ۳۲- هرگاه رسیدگی دیوان منوط به ثبوت امری در مرجع صلاحیتدار دیگری است رسیدگی دیوان تا اعلام نتیجه قطعی رسیدگی از طرف مرجع مزبور متوقف و مراتب به طرفین ابلاغ می‌شود. ذینفع باید ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ اخطار به دیوان به مرجع صلاحیتدار مراجعه و گواهی دفتر مرجع مزبور را مبنی بر طرح موضوع به دیوان تسلیم نماید والا در مورد شاکی قرار ابطال دادخواست صادر و در مورد مشتکی عنه ادعای وی در آن قسمت بلااثر تلقی خواهد شد.

ماده ۳۳- در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دیوان عدالت اداری و محاکم دادگستری، حل اختلاف با دیوان عالی کشور است.

ماده ۳۴- رئیس یا دادرسی علی‌البدل شعبه بدوی دیوان باید پس از انجام رسیدگی و تکمیل تحقیقات و انجام مشاوره و ملاحظه نظر مشاور در مواردی که

تبصره: دبیرخانه مکلف است قبل از آنکه پرونده جهت ارجاع به نظر رئیس کل دیوان برسد با مراجعه به دفتر رپرتوار کل چنانچه سابقه‌ای حاکی از طرح قبلی شکایت از طرف شاکی و یا از مشتکی عنه وجود داشته باشد مشخصات آن را در ذیل دادخواست ذکر نماید.

ماده ۱۰- پس از وصول و ثبت دادخواست در صورت ملاحظه عدم رعایت هریک از موارد مقرر در این آئین نامه مدیر دفتر مکلف است ظرف دو روز موارد نقص را کتباً به شاکی اطلاع دهد، در صورتی که شاکی ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ اخطار به رعایت مسافت قانونی نسبت به رفع نقص اقدام نکند از طرف مدیر دفتر قرار رد دادخواست صادر و به شاکی ابلاغ می‌شود و شاکی می‌تواند تجدید دادخواست نماید.

ماده ۱۱- در صورت تکمیل دادخواست مدیر دفتر شعبه مکلف است ظرف دو روز یک نسخه از دادخواست و ضامناً آن را برای ابلاغ به طرف شکایت ارسال دارد تا با رعایت مسافت بر طبق قانون آئین دادرسی مدنی ظرف ده روز پاسخ خود را اعلام نماید. طرف شکایت باید به پاسخ کتبی خود تصویر یا رونوشت مصدق کلیه مدارک مورد استناد را نیز ضمیمه کند. با انقضای مدت مزبور مدیر دفتر باید پرونده را به ضمیمه گزارش خود مبنی بر کامل بودن دادخواست و ضامناً و نتیجه ابلاغ به طرف شکایت و وصول یا عدم وصول پاسخ طرف شکایت به نوبت به نظر رئیس شعبه دیوان برساند.

تبصره - رئیس شعبه دیوان می‌تواند در مواردی که ضروری تشخیص دهد به پرونده خارج از نوبت رسیدگی نماید.

ماده ۱۲- در مواردی که در اجرای تبصره یک ماده یک اصلاحی قانون مشاور تعیین می‌شود، قبل از اتخاذ تصمیم شعبه مشاور مکلف است پرونده را دقیقاً مطالعه و نظر کتبی خود را به شعبه مستدلاً اعلام نماید.

ماده ۱۳- هرگاه شاکی ضمن طرح شکایت مدعی گردد که اجرای تصمیمات و یا اقدامات مراجع مصرح در ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری موجب ورود خسارتی خواهد شد که جبران آن در آتی متعسر است می‌تواند تقاضای دستور موقت مبنی بر توقیف عملیات و اقدامات را تا تعیین تکلیف قطعی بنماید.

تبصره ۱- تقاضای صدور دستور موقت باید ضمن طرح دعوی اصلی در دادخواست بدوی مطرح شود. درخواست صدور دستور موقت در دادخواست جداگانه پس از تقدیم دادخواست نسبت به اصل ادعا در صورتی مسموع است که موجب آن بعداً حادث شده باشد.

تبصره ۲- در صورت تقاضای دستور موقت مدیر دفتر شعبه مربوطه مکلف است بلافاصله پرونده را به ضمیمه گزارش لازم به نظر رئیس شعبه برساند.

ماده ۱۴- مرجع رسیدگی به تقاضای دستور موقت شعبه‌ای است که به اصل دعوی رسیدگی می‌کند و در صورت اتخاذ تصمیم به رد درخواست، موضوع قابل طرح و رسیدگی مجدد نخواهد بود مگر آنکه امر حادثی ضرورت رسیدگی مجدد را ایجاد نماید. قبول یا رد دستور موقت قابل تجدیدنظر نیست.

ماده ۱۵- در صورتی که از ناحیه شاکی دلائل و مدارک لازم در جهت احراز فوریت و ضرورت امر ارائه شده باشد و موضوع عملیات خاتمه نیافته باشد، شعبه پس از بررسی تقاضا و دلائل و مدارک مربوطه دستور موقت صادر می‌نماید. این دستور از تاریخ تقدیم دادخواست قابل اجرا است.

ماده ۱۶- دستور موقت تأثیری در اصل دعوی ندارد و در صورت رد شکایت یا صدور قرار اسقاط یا ابطال یا رد دادخواست اصلی یا قرار عدم صلاحیت و قطعیت آن بلااثر می‌گردد.

ماده ۱۷- شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت، نسبت به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید.

ماده ۱۸- تصمیم شعبه بدوی دیوان مبنی بر قبول دستور موقت یا رد آن به صورت دادنامه می‌شود، مدیر دفتر مکلف است آن را برای ابلاغ و اجرا به مرجع طرف شکایت ارسال نماید.

ماده ۱۹- در اجرای تبصره‌های ۱ و ۳ الحاقی به ماده ۱۸ قانون دیوان عدالت اداری منحصرأ به اعتراضاتی رسیدگی می‌شود که پس از تاریخ اجرای این قانون و ظرف مهلت دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی معترض عنه واصل شده باشد. آراء قطعی یافته دیوان که از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون بیش از دو ماه از تاریخ ابلاغ آن گذشته باشد از شمول تبصره ۱ خارج است.

ماده ۲۰- در موارد زیر قرار رد شکایت صادر می‌شود.
الف: در صورتی که شاکی برای طرح شکایت اهلیت قانونی نداشته و یا سمت او در طرح شکایت محرز نباشد.

ب: وقتی شکایت متوجه مشتکی عنه نباشد.

پ: هرگاه کسی به عنوان نمایندگی طرح شکایت کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومت و سمت او محرز نباشد.

ت: وقتی که شکایت طرح شده بین همان اشخاص یا اشخاصی که طرفین شکایت قائم مقام آنها هستند رسیدگی و نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد.

ماده ۴۷- شعبه تجدیدنظر پس از رسیدگی و تکمیل تحقیقات با اعلام ختم رسیدگی ظرف یک هفته رأی بدوی را در صورتی که مطابق قانون تشخیص دهد تأیید و الا با فسخ آن رأی مقتضی صادر می نماید.

ماده ۴۸- رأی شعبه تجدیدنظر ظرف یک هفته از تاریخ صدور باید پاکت نویسی شود و دادنامه باید حاوی نکات ذیل باشد:

الف: شماره و تاریخ دادنامه و کلاسه تجدیدنظر.

ب: مشخصات شعبه تجدیدنظر.

پ: مشخصات کامل طرفین.

ت: موضوع اعتراض.

ث: گردش کار حاوی مفاد دادخواست بدوی و مدافعات طرف شکایت و خلاصه رأی بدوی و موارد اعتراض و پاسخ آن.

ج: متن رأی تجدیدنظر.

دادنامه پس از امضاء اعضاء صادرکننده رأی قطعی و مهر شعبه تجدیدنظر به طرفین ابلاغ می شود.

ماده ۴۹- واحدها و مراجع دولتی مذکور در ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مکلفند احکام دیوان را در آن قسمت که مربوط به واحدهای مذکور است بلافاصله پس از ابلاغ دادنامه به مورد اجرا گذارند. در صورت استنکاف مرتکب با حکم رئیس کل دیوان به انضصال از خدمت دولتی و قانونی به مدت یک تا پنج سال محکوم می شوند.

ماده ۵۰- در مورد تخلفات موضوع ماده ۲۳ این آئین نامه شعبه دیوان پس از رسیدگی حکم مقتضی صادر می نماید. حکم شعبه دیوان در مورد انفصال پس از ابلاغ به واحد مربوط باید بلافاصله به مورد اجرا گذاشته شود.

ماده ۵۱- این آئین نامه که در ۵۱ ماده و ۷ تبصره در اجرای ماده ۲۳ قانون دیوان عدالت اداری توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تنظیم و پیشنهاد شده و به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است جایگزین آئین دادرسی دیوان مصوب ۱۳۶۲ و اصلاحات و الحاقات مربوط به آن می شود و از تاریخ اجرای این آئین نامه مقررات مذکور ملغی است.

شماره ۴۶۵۸/ت/۲۰۹۹۵-ه
تصویب نامه راجع به تغییرات و اصلاحات تقسیمی
در استان آذربایجان شرقی

وزارت کشور

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۱/۳۱ بنا به پیشنهاد شماره ۲۳-۱۹۰۴۲/۱۴ مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۰ وزارت کشور و به استناد ماده (۱۳) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری- مصوب ۱۳۶۲- تصویب نمود:

تغییرات و اصلاحات تقسیمی زیر در استان آذربایجان شرقی صورت می گیرد:

۱- شهرستان آذرشهر

الف- دهستان دستجرد به مرکزیت روستای دستجرد شامل روستاها، مزارع و مکانهای به شرح زیر:

دستجرد- مرغدری احمدنژاد، مرغدری ابراهیم نژاد- معدن سردار آباد- قلعه شیخ- قشلاق پیازی- ایستگاه راه آهن آذرشهر در تابعیت بخش گوگان ایجاد و تأسیس می شود.

ب- دهستان جزیره از بخش گوگان منتزع و تابع بخش ایلخچی شهرستان اسکو می شود.

نقشه ۲۵۰۰۰۰- دهستان دستجرد و اصلاحات انجام شده بر روی نقشه ۲۵۰۰۰۰- مصوب بخش گوگان که ممهور به مهر دفتر تقسیمات کشوری و دفتر هیأت دولت است، ضمیمه می باشد.

۲- دهستان تازه کند از بخش ایلخچی شهرستان اسکو منتزع و به بخش خسروشهر شهرستان تبریز ملحق می شود.

۳- دهستان سرد صحرا از بخش خسرو شهر شهرستان تبریز منتزع و به بخش مرکزی شهرستان تبریز ملحق می شود.

۴- دهستان داران از بخش سیه رود شهرستان جلفا منتزع و به بخش مرکزی شهرستان جلفا ملحق می شود.

۵- در شهرستان مراغه

الف- مرکز دهستان سراجوی جنوبی از روستای گل تپه به روستای اغچه کهل منتقل می شود.

ب- روستاها، مزارع و مکانهای: گل- گل تپه- خلیفه کندی- علو کندی- اغ بلاغ علمدار- گوریدرق علیا- گوریدرق سفلی و معدن ذغال سنگ مطابق نقشه

۲۵۰۰۰۰- ضمیمه که ممهور به مهر دفتر هیأت دولت می باشد از دهستان سراجوی جنوبی منتزع و به دهستان سراجوی شمالی ملحق می شود.

مشاور تعیین شده است، ختم دادرسی را اعلام و ظرف یک هفته به صدور حکم مبادرت نماید.

ماده ۳۵- رأی دیوان در دفتر مخصوص ثبت و رونوشت آن ظرف سه روز به تعداد طرف شکایت به اضافه دو نسخه تهیه و ارسال می شود.

ماده ۳۶- دادنامه باید حاوی نکات زیر باشد:

الف: تاریخ و شماره دادنامه و شماره پرونده.

ب: مرجع صادرکننده رأی.

پ: نام و نام خانوادگی و محل اقامت طرفین شکایت و نماینده قانونی آنان.

ت: خواسته.

ث: نام رئیس یا علی البدل و مشاور در مواردی که مشاور تعیین شده باشد و تصریح به انجام مشاوره.

ج: شرح شکایت و دفاع طرف و خلاصه اقدامات انجام شده.

چ: رأی دیوان.

ح: امضاء رئیس شعبه و مهر شعبه.

تبصره- دادن رونوشت از اوراق پرونده منوط به اجازه رئیس شعبه می باشد.

ماده ۳۷- مدیر دفتر شعبه مربوطه باید ظرف سه روز پس از آنکه دادنامه به امضاء رسید، نسبت به ابلاغ آن و تسلیم یک نسخه رونوشت گواهی شده آن به طرفین اقدام نماید. ابلاغ اوراق و احکام و تصمیمات دیوان به وسیله مأمورین ابلاغ و اجراء دادگستری یا ضوابط آئین دادرسی مدنی می باشد.

ماده ۳۸- هرگاه در مفاد رأی دیوان ابهام و اجمال باشد یا در تحریر آنها اشتباه و سهو قلم پیش آمده باشد دیوان می تواند رأساً یا به درخواست ذینفع از رأی رفع اجمال و ابهام کرده یا آنرا تصحیح نماید. تصمیم دیوان در این مورد به طرفین ابلاغ می شود و اعطای رونوشت دادنامه بدون انضمام تصمیم اصلاحی دیوان ممنوع است. ماده ۳۹- آراء شعب بدوی دیوان به درخواست یکی از طرفین و یا قائم مقام یا وکیل و یا نماینده قانونی آنان قابل تجدیدنظر می باشد. مهلت و مرجع تجدیدنظر در پایان رأی قید می گردد.

ماده ۴۰- مهلت درخواست تجدیدنظر برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی است. چنانچه دادخواست تجدیدنظر خارج از مهلت قانونی داده شود، شعبه تجدیدنظر قرار رد آن را صادر می کند.

ماده ۴۱- دادخواست تجدیدنظر باید به زبان فارسی و با خط خوانا روی اوراق چاپی مخصوص نوشته و معادل بیست هزار ریال تمپر قانونی به آن الصاق و ابطال شود و حاوی نکات ذیل باشد:

الف: مشخصات طرفین شکایت و اقامتگاه آنان.

ب: مشخصات رأی مورد تقاضای تجدیدنظر و تاریخ ابلاغ آن.

پ: ذکر کلیه اعتراضات نسبت به رأی شعبه بدوی.

ت: تصویر یا رونوشت مصدق مدارک مورد استناد و رأی مورد اعتراض.

ماده ۴۲- دادخواست تجدیدنظر به دبیرخانه دیوان داده می شود. دفاتر شعب بدوی و تجدیدنظر نیز در صورت وصول دادخواست تجدیدنظر آن را ثبت و باید به دبیرخانه ارسال دارند. دبیرخانه مکلف است ظرف دو روز از تاریخ ثبت به نظر رئیس کل دیوان برساند تا به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع شود. ملاک احتساب در مهلت، تاریخ اولین ثبت در مراجع مزبور یا تحویل به پست (پست سفارشی) می باشد.

ماده ۴۳- اگر مشخصات تجدیدنظرخواه در دادخواست معین نشده باشد یا محل اقامت او معلوم نباشد دادخواست بلااثر می ماند و پس از انقضاء مدت تجدیدنظرخواهی توسط مدیر دفتر رد خواهد شد مگر اینکه قبل از انقضاء مهلت مقرر دادخواست خود را تکمیل یا تجدید نماید.

ماده ۴۴- هرگاه دادخواست تجدیدنظر از جهت نکات و شرایط مقرر در این آئین نامه ناقص و یا فاقد سند مثبت دادخواست دهنده باشد مدیر دفتر شعبه تجدیدنظر ظرف دو روز از تاریخ ثبت دادخواست موارد نقص را کتبی به متقاضی تجدیدنظر اطلاع می دهد تا ظرف ۵ روز از تاریخ ابلاغ اخطار رفع نقص با رعایت مسافت برطبق آئین دادرسی مدنی نسبت به رفع نقائص اقدام کند. در صورت عدم رفع نقص در مهلت قانونی دادخواست از طرف مدیر دفتر شعبه تجدیدنظر رد خواهد شد.

ماده ۴۵- در صورت تکمیل پرونده مدیر دفتر مکلف است پرونده تجدیدنظر را به ضمیمه پرونده بدوی به نوبت به نظر شعبه برساند. چنانچه شعبه برای اتخاذ تصمیم انجام تحقیقات یا اخذ توضیحاتی از طرفین یا ملاحظه اسناد و مدارکی را لازم بداند طبق مقررات اقدام می کند.

ماده ۴۶- شعبه تجدیدنظر مرکب از یک رئیس و دو مستشار است که با حضور دو نفر رسمیت می یابد و رایی که به اتفاق صادر می شود قطعی است. در صورت عدم حصول اتفاق آراء، مستشار دیگری به انتخاب رئیس کل دیوان در رسیدگی و صدور رأی شرکت می کند و رأی اکثریت قطعی است.